

## هدف شبکه های اجتماعی تحت موبایل تنها جاسوسی نیست!!؟؟

به عنوان یک بچه مسجدی وقتی دیدم همه برنامه هایی مثل "ویجت، وایبر، واتس آپ، تانگو، لاین و اینستاگرام" روی گوشی های خودشان نصب می کنند، برام جالب شد تا ببینم این برنامه ها چی دارن که اینقدر مردم رو به خودشون جذب کرده.



اوایل همه اون هایی که شماره من رو داشتن کیف می کردن که "به به فلانی هم وارد این برنامه ها شده" و شروع به خوش آمد گویی می کردن. اما لحن صحبت کردن همه خیلی خودمونی بود. حتی خانم های نامحرمی که یا همکلاسی بودن یا برای کارهای اداری شماره ام رو داشتن، برام جالب بود که تو این فضا هیچکس رو غریبه نمی دونست.

و اما..

بعد چند وقت استفاده از این برنامه ها پرده ی حیا کنار رفت و ماهیت اصلی اون هارو کشف کردم که باعث شد سریعاً تمام این شبکه های اجتماعی رو از روی گوشی همراهم حذف کنم.

## \*اصل ماجرا چه بود؟ (اسامی استفاده شده غیر واقعی می باشند)

یک روز تصمیم گرفتم برم به پروفایل افرادی که جزء دوستانم به من اضافه شده بودن. رفتم تو پروفایل آقا حمید یکی از بچه های گل و مذهبی که یکدفعه چشمم افتاد به نظرات یکی از مطالب ارسالیش. چندتا دختر خانم جوون که عکس های بی حجابی رو آوانارشون گذاشته بودن برای آقا حمید نظر گذاشته بودن و آقا حمید ماهم برایشون نوشته بود: ممنون مریم جون. به سلام فاطمی کوچولو چه عجب کجایی دختر؟

چند لحظه مات و مبهوت بودم که این همون حمید بچه مثبت خودمونه که الان با دختری نامحرم و بی حجاب اینجوری داره حرف میزنه؟ حتی اگه فامیلشونم باشه نه حمیدی که میشناسم اینجور پسر به نه اینکار شرعاً درسته. خیلی ناراحت شدم.

بیخیال حمید شدم و رفتم تو پرو فایل سعید از دوستای گل روزگار که بیهوو دیدم اوه اوه عکس شخصی با خانمش که لباس مناسبی نداشته رو انتشار داده که سریع پریدم بیرون. پیش خودم گفتم سعید از تو بعید بود تو اینقدر با غیرت بودی آخه چرا؟



گفتم سعید هم بیخیال که چشمم افتاد به پروفایل یکی از همکلاسی های خانم و که خیلی خانم سرسنگینی بود. تا وارد شدم دیدم برا هر مطلب ارسالی چندین پسر عتیقه لایک و نظر گذاشتن و اون خانم همکلاسی هم با شوخ طبعی و بدون رعایت حریم محرم و نامحرم شروع به شوخی های دور از شأنش کرده بود.

و در ادامه...

تو پروفایل هر کسی می رفتیم یا عکس مناسبی نداشت یا چیزهایی میدیدم و میخوندم که کلاً با اون شخصیتی که از اون طرف انتظار داشتیم زمین تا آسمون فرق داشت. بلکه نازه متوجه شده بودم هدف اصلی این شبکه های موبایلی تنها جاسوسی نیست بلکه اون ها حریم های بین مردم رو هدف قرار داده اند. وقتی بین من و دوستم حریم ها شکسته بشود زمینه های بی اعتمادی و شک بوجود میاد. وقتی بی اعتمادی و شک بوجود بیاد کم کم به سمت جامعه ای خواهیم رفت که هیچ اعتمادی در اون نیست.



## \*داستان مرگ خاموش سربازان آمریکایی

بعد از جنگ آمریکا با کره، ژنرال ویلیام مایر که بعدها به سمت روانکاو ارشد ارتش آمریکا منصوب شد، یکی از پیچیده ترین موارد تاریخ جنگ در جهان را مورد مطالعه قرار میداد.

حدود ۱۰۰۰ نفر از نظامیان آمریکایی در کره، در اردوگاهی زندانی شده بودند که از استانداردهای بین المللی برخوردار بود.

زندانیان با تعریف متعارف تقریباً محصور نبود. آب و غذا و امکانات به وفور یافت میشد. از هیچیک از تکنیکهای متداول شکنجه استفاده نمی شد.

اما بیشترین آمار مرگ زندانیان در این اردوگاه گزارش شده بود. زندانیان به مرگ طبیعی می مردند. امکانات فرار وجود داشت اما فرار نمیکردند. بسیاری از آنها شب میخوابیدند و صبح دیگر بیدار نمیشدند.

نهایی که مانده بودند احترام درجات نظامی را میان خود رعایت نمیکردند و عموماً با زندانبانان خود طرح دوستی میریختند. دلیل این رویداد، سالها مورد مطالعه قرار گرفت و ویلیام مایر نتیجه تحقیقات خود را به این شرح ارائه کرد:

«در این اردوگاه، فقط نامه هایی که حاوی خبرهای بد بودند به دست زندانیان رسیده میشد. نامه های مثبت و امیدبخش تحویل نمیشدند. هر روز از زندانیان میخواستند در مقابل جمع، خاطره یکی از مواردی که به دوستان خود خیانت کرده اند، یا میتوانستند خدمتی بکنند و نکرده اند را تعریف کنند. هر کسی که جاسوسی سایر زندانیان را میکرد، سیگار جایزه میگرفت. اما کسی که در موردش جاسوسی شده بود هیچ نوع تنبیهی نمی شد. همه به جاسوسی برای دریافت جایزه (که خطری هم برای دوستانشان نداشت) عادت کرده بودند».

تحقیقات نشان داد که این سه تکنیک در کنار هم، سربازان را به نقطه مرگ رسانده است. با دریافت خبرهای منتخب (فقط منفی) امید از بین میرفت. با جاسوسی، عزت نفس زندانیان تخریب میشد و خود را انسانی پست می یافتند. با تعریف خیانتها، اعتبار آنها نزد همگروهی ها از بین میرفت. و این هر سه برای پایان یافتن انگیزه زندگی، و مرگ های خاموش کافی بود. این سبک شکنجه، شکنجه خاموش نامیده میشود. چقدر در زندگی خود و اطرافیان خود را به صورت خاموش شکنجه کرده ایم؟

## \*همنشینی و بحث بچه ها در خصوص شبکه های اجتماعی

بدی ها	خوبی ها
روابط نامشروع بوسیله دوستی های مجازی	ارتباط با دوستان دور از دسترس
تشکیل گروه های نامربوط و نامعلوم	تشکیل گروه های آموزنده، علمی، اعتقادی و...
گرفتن وقت از کاربران	کم شدن هزینه ی پیام در مقایسه با sms , mms
امکان سوء استفاده و گناه و تضعیف ایمان	امکان فرستادن عکس، صوت و فیلم
ایجاد تفرقه و دودستگی میان دوستان	اطلاع از اخبار و برنامه های جمعی دوستان
وارد حاشیه شدن و دریدن پرده ی حیا	ارتباط با همکاران و تشکیل جلسات کاری
ضعیف شدن چشم و وابستگی به دنیای مجازی	فراگیری علم های تازه و نوین
دوری از خدا و تنبلی در عبادت	اطلاع از حال و احوال دوستان
کم خوابی و کسلی	تشکیل گروه های تفریحی و سرگرمی
نارضایتی پدر و مادر و دوری از اجتماع	اطلاع از موقعیت مکانی دوستان خود
بی نظمی و بی حوصلگی و بیماری اعصاب	و دیگر چیزی به ذهنمان نمی رسید...

پس نتیجه گیری با خودتان؛

**وما نتیجه گرفتیم که استفاده از این شبکه های جاسوسی برای ما مناسب نمی باشد و شخصیت ما در این شبکه ها زیر سوال می رود و با کنار رفتن پرده ی حیا میان دو نفر، اعتماد را از میان می برد...**

**گردآورندگان: محمد امین محمدپور، امیر حسین رضایی، مهدیار عالمی، امیر حسین حق گو، امیر حسین اصغری**

**تهیه شده در کانون فرهنگی هنری امام علی (ع) مسجد امیرالمومنین طبرستان**